



مریم السادات منصور،  
پژوهشگر دکتری معماری  
منظر، دانشگاه پاریس غرب،  
فرانسه  
Maryamansouri@gmail.com

# بعد فراموش شده

## انسان گرایی: ویژگی گم شده فضاهای جمعی امروز در تهران (نمونه موردی: پیاده راه ۱۷ شهریور)

**چکیده:** انسان گرایی یا اومانیزم دیدگاهی است که اولویت و اهمیت را به انسان می دهد. پیدایش این واژه در محافل علمی جهان به دوره رنسانس، زمانی که مردم از سوءاستفاده کلیسا از جایگاه آسمانی و الهی، آگاه و برای باز پس گرفتن حقوق خود مدعی شدند، باز می گردد. در آن زمان، انسان گرایی مفهومی خداستیز پیدا کرد و به نفی چیزهایی پرداخت که به منافع انسان ضربه می زد. در اواسط قرن بیستم، انسان گرایی با انتقاد از رویکردهای معماری مدرن که دوگانه انسان - طبیعت را نادیده می گرفت، وارد عرصه شهر و معماری شد تا آنجا که در رشته های نوظهور مانند منظر، ادراک انسان از محیط به محور اصلی طراحی بدل شد. فضای جمعی از مؤلفه های اصلی منظر شهری است که به دلیل وابستگی حداکثری آن به حضور انسان، نگاه انسان گرا در ساماندهی آن، از سایر جنبه ها پیشی می گیرد. این مقاله درصدد است با بررسی جایگاه نظریه انسان گرایی در نهضت های مختلف فکری، سیاست های مدیریت شهری تهران را پس از انقلاب اسلامی نسبت به فضای جمعی ارزیابی کند. واژگان کلیدی: فضای جمعی، انسان گرایی، تهران، سرمایه داری، حکومت محوری، اسلام.



تصویر ۱

Pic 1

تصویر ۱: صحن یکنواخت لادفانسی و ساختمان های مدرن. هر چند افراد زیادی در فضا حضور دارند، اما مقیاس چنان است که امکان گردهم آیی و شکل گیری توده های مردم سخت به نظر می رسد. مأخذ: [www.upload.wikimedia.org](http://www.upload.wikimedia.org)

Pic1: La Défense uniform apron and modern buildings. Although a lot of people are present in the space, but the scale is such that the possibility of gatherings and forming populated masses of people seems hard. Source: [www.upload.wikimedia.org](http://www.upload.wikimedia.org)

### مقدمه: انسان گرایی

انسان گرایی را بیش از آن که بتوان ایدئولوژی نامید، دکترینی باید خواند که به ایدئولوژی ها جهت می دهد و در آن خوشبختی انسان ها تنها جنبه مادی ندارد. علی رغم ظاهر ساده و روشن تعریف، قرارگیری آن در دستگاه های فکری مختلف، خروجی های کاملاً متفاوتی را به دست می دهد. اوج این تفاوت ها را می توان در رویکرد جوامع سرمایه داری، سوسیالیستی و اسلامی بررسی کرد.

### • رویکرد انسان گرایی در ایدئولوژی سرمایه داری

این ایدئولوژی، اصل را بر سود فردی و منافع اقتصادی صرف قرار داده و رضایت جمعی را برآمده از دست آوردهای [مالی] فردی می داند. پیروان این مکتب، جاه طلبی و طمع را عامل حرکت انسان به جلو می دانند و به فعالیت ها، روابط و اعمال انسانی با دید مادی می نگرند (Kraft, 2009). حتی

محافظت از بستر شکوفایی انسان را (محیط) تنها از جنبه مادی (تکنولوژیک، محیط زیستی) در نظر می گیرند و به جنبه ذهنی آن (سلامتی روان)، اهمیتی نمی دهند.

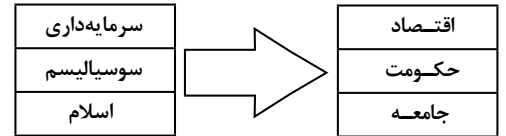
### • رویکرد انسان گرایی در ایدئولوژی سوسیالیستی

این ایدئولوژی اصل را بر تساوی شرایط انسان ها قرار می دهد و هدف نهایی آن، به خدمت درآوردن اعمال عمومی انسان است. سوسیالیست ها معتقدند انسان به خودی خود خوب است و این اجتماع است که موجب انحراف او می شود، بنابراین اجتماع باید قانون مند شود (Rey & Rey Debove, 2007: 2382). بر همین اساس مسئولین این جوامع درگیر «برنامه ریزی و تدوین چارچوب های دستوری برای زندگی بهتر جامعه» شده اند تا آنجا که نه تنها جایگاه انسان در آن فراموش شده بلکه قدرت نیز در اختیار دستگاه تصمیم گیر قرار گرفته است. به عبارتی، جامعه محوری جای خود را به حکومت محوری داده است.

### • رویکرد انسان گرایی در ایدئولوژی اسلامی

انسان دارای «سنت های تغییرناپذیر» است (شریعتی، ۱۳۵۸). سنت، قوانین حاکم بر جامعه انسانی است که فراتر از تعاریف جامعه شناسان و تاریخدانان است. بر اساس ایدئولوژی اسلامی، خداوند سنت هایی را قرار داده که در آنها تغییری ایجاد نخواهد شد مگر در شیوه اعمال شان. مثال آن سنت ثابت رشد گیاه و اختیار مداخله انسان [باغبان] در تعداد، مکان و انواع رشد گیاهان است. رویکرد انسان گرایی در مکتب فکری اسلامی همان اختیار است که بر سنت جریان زندگی جامعه اعمال شده تا به آن جهت دهد. لذا نقش انسان در تاریخ هرگز نقشی فرعی و جبری نبوده و انسان با اراده و اختیار خود راه تکامل و حرکت به جلو را برای جامعه اش انتخاب کرده است. نقش آزادی و اختیار انسان های گذشته، از جایگاه مهمی در وضعیت امروز هر جامعه برخوردار است. «تاریخ ساخته انسان است نه انسان

ساخته تاریخ» (مطهری، ۱۳۶۳: ۱۵). بنابراین می توان گفت در مکتب فکری اسلام، انسان هم بر جامعه معاصر خود و هم بر تعیین مسیر پیش روی جوامع آینده کاملاً تاثیرگذار است. از تعاریف این سه مکتب و رویکردهای متفاوت آنها به جایگاه انسان، می توان برداشت کرد علی رغم شعار یکسان «اولویت دهی به انسان» محصول متفاوت است: با به کارگیری شعار انسان گرایی، اسلام به شکوفایی جامعه انسانی می رسد؛ سوسیالیست ها به برقراری حکومت هر چه مقتدرتر و طرفداران سرمایه داری به توسعه اقتصادی حداکثری.



**فرضیه**

رویکرد مدیریت شهری امروز تهران نسبت به فضای جمعی، رویکرد انسان گرای برآمده از دیدگاه فکری حکومت محور است و از نظریه انسان گرایی اسلام دور شده است.

**فضای جمعی**

مفهوم فضای جمعی مبهم است. از یک سو در حوزه شهرسازی و ساماندهی فضایی جا دارد و از سوی دیگر مفهومی فلسفی و جامعه شناسی است. اگر این مفهوم را در چشم انداز امروزی آن که «ساماندهی و شکل دهی به چارچوب های زندگی

کارکرد فضا تحلیل کرد. در حوزه معماری، مقیاس و زیباشناسی و در حوزه کارکرد، فعالیت و مکان یابی از شاخص های این تحلیل اند. در ادامه با بررسی سه نمونه فضای جمعی ساخته شده، به تحلیل آثار رویکردهای سه مکتب فکری مورد نظر این پژوهش می پردازیم.

**• صحن لادفانس - پاریس: نمونه فضای جمعی طراحی شده در جامعه سرمایه داری**

این فضا در حومه غرب پاریس در محله نوساز تجاری - اداری، فضایی ۳۱ هکتاری<sup>۲</sup> است که در مقابل طاق بزرگ لادفانس گسترده شده است. فضای صحن لادفانس، تک رنگ (خاکستری)، دارای مبلمان شهری مینیمال و پوشش گیاهی تزئینی است که به سبب فرم پلکانی، از آن به باغ های معلق یاد می شود. لبه های فضا توسط ساختمان های مجسمه وار به سبک مدرن و با تکنولوژی ساخت بسیار بالا و با کارکرد تجاری (مرکز خرید، رستوران، ...، و اداری احاطه شده است که توده آنها در سیلوئت دور دست افق غرب پاریس قابل رؤیت است (تصویر ۱).

**• میدان تیان آن مین - پکن: نمونه فضای جمعی طراحی شده در جامعه سوسیالیست (حکومت محور)**

این میدان با ۴۰ هکتار مساحت، سومین میدان بزرگ جهان و در قلب جغرافیایی شهر پکن واقع است. میدان تیان آن من با بنای یادبود مائو در جنوب، ورودی شهر ممنوعه در شمال، موزه ملی چین در شرق و ساختمان پارلمان در غرب احاطه شده است. بنای یادمانی ایلپسک پیروزی کمونیست ها نیز در مرکز آن واقع شده است. تصویر

بافت اطراف همخوانی بصری و حسی ایجاد کرده است. تخت، میز و صندلی رستوران های سنتی دور حوض به فضا پویایی بخشیده است. همجواری بافت مسکونی نسبتاً متراکم و عناصر معماری موجب می شود عبور و حضور در فضای مرکز محله برای ساکنین آن به امری اجباری جهت فعالیت های روزمره (عبادت، کار، خرید، دیدو بازدید...) بدل شود (تصاویر ۳ و ۴). معیارهای ساخت فضای جمعی در فرهنگ اسلامی به استفاده روزانه اجتماع مربوط شده و منطبق بر زندگی روزمره شهری است؛ حال آن که در دو ایدئولوژی سرمایه داری و سوسیالیستی، این فضا ابزاری برای نیل به اهداف دیگر است و ماهیت خود فضا به عنوان محل حضور مردم و جریان زندگی شهر در حاشیه هدف اصلیت. یکی از نمودهای این تفاوت را در ابعاد فضا می توان حس کرد: در سکوی لادفانس و میدان تیان آن من فضا آن چنان وسیع است که در آن امکان برخورد، ملاقات، گردهم آیی روزمره گروه های اجتماعی و حتی گذر از سویی به سوی دیگر حداقل است؛ حال آنکه در مرکز محله لب حوض، افراد نه تنها در هر کجای فضا باشند قابل رؤیت اند بلکه می توانند از هر باز شو به میدان گاه وارد و از آن خارج شوند. نکته دیگر، مکان یابی فضای جمعی و نفوذ آن به امور روزانه شهروندان و البته مقیاس آن (شهری، منطقه ای، محله ای) است. مردم برای حضور در دو نمونه نخست باید قصد حضور کنند، زیرا محل قرارگیری فضا در حوزه دسترس جابجایی های روزانه نیست و فعالیت های جاری در آنها کمتر مورد نیاز زندگی روزمره است. صحن لادفانس در نقطه ای کاملاً دور از مرکز فعالیت

تصویر ۶  
Pic 6



تصویر ۶: میدان امام حسین در روزهای ماه محرم و برگزاری مراسم سوگواری، به عنوان فضای جمعی کاربرد دارد، اما این نقش تنها به این ایام محدود می شود، تهران. عکس: امیرصابری راد، ۱۳۹۲.

Pic6: Imam Hossein Square has performs as a communal space in days of Moharram for mourning ceremony, which is limited only in this period of time, Tehran, Photo: Amir Saberi Rad, 2013.

پاریس قرار دارد. میدان تیان آن من علی رغم قرارگیری در مرکز جغرافیایی پکن، نتوانسته با مرکز فعالیت شهر ارتباط برقرار کند و گویی تنها دلیل احداث آن، جلب توجه مردم به بناهای اطراف بوده است. در حالی که مرکز محله لب حوض با قرارگیری در قلب محله های مسکونی و پیوند آن با بازارچه، عبادت گاه و مدرسه دلیلی پررنگ برای حضور مردم دارد: انجام امور روزانه؛ عبادت، تحصیل، خرید، کار، تفریح، دیدار سایرین و ... در رویکرد انسان گرایانه اسلامی، شکل گیری فضای جمعی براساس خواسته ها و زندگی مردم است حال آنکه در دو نمونه دیگر همه چیز از پیش تعیین شده است و استفاده کننده تنها در چارچوب های تحمیلی فضا قرار می گیرد. به نظر می رسد تفاوت های حائز اهمیت و هویت دهنده به فضای جمعی، محصول سه مکتب فکری مورد بررسی را می توان در چهار گروه دسته بندی کرد (جدول ۱)

بزرگی از مائو، رهبر انقلاب کمونیست چین در آکس شمالی قرار دارد که پیش تر به عکس سران کمونیسم: مارکس، انگلس، لنین و استالین متعلق بوده است<sup>۳</sup> (تصویر ۲).

**• مرکز محله لب حوض - بخارا: نمونه فضای جمعی طراحی شده در جامعه اسلامی**

محله لب حوض مربوط به قرون ۱۰ و ۱۱ هجری است. این فضا در ابعاد کمتر از دو هکتار میان مدارس دیوان بیگی و کاکل داش، خانقاه دیوان بیگی، مسجد گود عطاران و تیمچه عبدالله خان و در نزدیکی کاروان سرا، دکان، کارگاه صنایع دستی و ... واقع شده است. مکان یابی فضا نسبت به بافت اطراف در نقطه تلاقی چند مسیر اصلی و کوچه های متعدد است و بافت مسکونی اطراف، به آن گشوده می شود. در فضا یک حوض هشت وجهی به رسم معماری شهرهای آسیای مرکزی به چشم می خورد. کفسازی فضا از سنگ و آجر است که با

جمعی» است در نظر بگیریم، فضای جمعی بیشتر فضای اجتماع است، فضایی است که استفاده از آن آزاد است اما در عین حال تابع قوانین نیز هست (Besse, 2006: 1). فضای جمعی باید مکان همگرایی میان مسیرهای مهم دسترسی و جابجایی های شهری، قوانین و شرایط ارتقاء کیفیت زندگی شهری و تأملی بر مکان حضور جامعه ای دارای فرهنگ مختص به خود باشد (www.ruedelavenir.com/themes/pietons-ca-marche). بنابراین فضای جمعی صرفاً فضای خالی میان ساخته هانیست، برعکس، مکان تجربه حضور انسان در فضا و ارتباط با دیگران است. نحوه حضور در فضای جمعی، فعالیت انسان ها در آن و روابط میان افراد جامعه، نتیجه فرهنگ و تاریخی خاص است که بسته به مقتضیات زمانه، مولد نوعی الگوی شهرنشینی می شود. ظهور فضای جمعی در مکتب های مختلف فکری، متفاوت است. این تفاوت ها را می توان با معیارهایی چون معماری و

شکل‌گیری خیابان ۱۷ شهریور (شهباز سابق) بین سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۳۱۹ به‌دنبال جایابی میدان دوشان‌تپه (شهدای فعلی) در محل دروازه دوشان‌تپه صورت گرفت. بین سال‌های ۱۳۱۹ تا ۱۳۳۵ به واسطه شکل‌گیری بن‌هایی در شمال (میدان فوزیه) و جنوب (میدان ژاله) آن، این محور، هویت مستقل یک خیابان شهری را پیدا کرد و شکل‌گیری کلیه معابر منشعب از آن، تعریض و همچنین آسفالت شدن مسیر نیز به دنبال آن روی داد.

این خیابان امروز در قلب بافتی مسکونی - خدماتی و مرز اتصال مناطق ۷، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ تهران، بین دو ایستگاه مترو پرترد امام حسین (ع) و شهدا و در محدوده دسترسی محور انقلاب اسلامی قرار دارد. تنوع اصناف با عملکردهای منطقه‌ای و

فضای جمعی معطوف می‌شود. در این چشم‌انداز، پیوندهای میان ادراک مخاطب (عابر پیاده)، عمل او، مکان و جنبه‌های جمعی بر ابعاد فیزیکی (حذف موانع بصری، دسترسی به وسایل نقلیه، ...) پیشی می‌گیرند (Thomas, 2004). پروژه تبدیل خیابان ۱۷ شهریور حد فاصل میدان امام حسین (ع) تا میدان شهدا به فضای جمعی از یک سال پیش در حال اجراست. ازدحام شدید به‌خصوص در نظام حرکتی و اغتشاشات بصری در محدوده از دلایل میل به ساخت پیاده‌راه در این سایت عنوان شد. اما ظاهراً طرح جدید نه تنها مشکلات اهالی محل را حل نکرده بلکه مصائب جدیدی مانند موانعی در کسب و کار، جایابی پیاده و سواره و انجام فعالیت‌های زندگی روزانه به دنبال داشته است (تصاویر ۵ و ۶). جداره‌های فلزی منقوش حاشیه سایت برای «حذف

فعالیت، زیباشناسی و مکان‌یابی به صورت زیر جمع‌بندی می‌شود:

• مقیاس: طراحی فضای پیاده با جایابی در مقیاس پیاده متناسب نیست. طول مسیر و عدم ارتباط آن با بافت اطراف - هم از جهت دسترسی محلی و هم ظاهر متضاد - موجب می‌شود مخاطبان فضا (عابرین پیاده) برای ارتباط با فضای جمعی دچار مشکل شوند. ابعاد فضا فراتر از توان دسترسی مقیاس پیاده است.

• فعالیت: فعالیت‌های در نظر گرفته شده برای فضای جمعی پیاده‌راه ۱۷ شهریور اگرچه ظاهر فرهنگی دارند (کتاب و سی‌دی‌فروشی) اما با امور روزمره و ویژه فضاهای جمعی موفق، سختی ندارند. فعالیت‌های پیش‌بینی شده تماماً در جهت سودآوری اقتصادی طرح‌ریزی شده‌اند و چنان‌که باید، با زندگی روزمره استفاده‌کنندگان عجین نیستند و به نظر می‌رسد فعالیت‌هایی مانند رستوران یا واحدهای خدمات محلی مناسب‌تر است.

• زیباشناسی: رویکرد زیباشناسانه، فرمال و عینیت‌گرا است. مداخلاتی که در راستای حل مسئله آلاینده‌های بصری فضای جمعی مورد بررسی یا در دست اجراست، تنها ابعاد فیزیکی را در نظر گرفته‌اند و با ایجاد خطوط مستقیم، تک‌رنگ، یک‌دست و دارای عناصر تکرار شونده، از سایر جنبه‌های زیبایی مثل جنبه آیینی (با توجه به نام‌گذاری فضا: پیاده‌راه آیینی) آن غافل مانده است.

• مکان‌یابی: تبدیل شریان ترافیکی - خدماتی - تجاری - تفریحی - آموزشی - مذهبی - فرهنگی ۱۷ شهریور به فضای جمعی و پیاده‌راه آیینی بیش از آنکه براساس مکان‌یابی بستری غنی برای احداث فضای جمعی (آمیختگی حداکثری با جریان زندگی روزانه محله‌ای و فرامحلی‌ای) باشد، معطوف به وجه نمادین آن یعنی تکیه بر نام میدان‌های شهدا و امام حسین (ع) و واقعه ۱۷ شهریور شده است. این انتخاب «آیینی» با تعبیه المان شهدا، گسترش مساحت مسجد خیر و ساخت آب‌خوری‌هایی به شکل سقاخانه در طول مسیر تمام و کمال بر رویکرد نظری و شعاری مسئولین آن تأکید کرده و هیچ استفاده‌ای از ظرفیت‌های موجود نشده و بعضاً آنها را حذف کرده است.

رویکرد اخذ شده (جدول ۲) در طراحی، از بستر طرح (ایران) و سایت مورد نظر (۱۷ شهریور) که حامل بار اعتقادی و آیینی بزرگی است، بسیار دور افتاده و به گرایش‌های حکومت‌محور نزدیک‌تر شده است. پروژه تنها در ابعاد کالبدی و فیزیکی باقی مانده (رویکرد انسان‌گرایی حکومت‌محور و سرمایه‌داری) و از جنبه‌های ذهنی، اعتقادی، آیینی و فرهنگی (رویکرد انسان‌گرایی اسلامی) غافل شده است.

پی‌نوشت

1. Esplanade de la Défense.
2. Quelques chiffres utiles afin de comprendre la Défense (via La Défense Seine-Arche), EPAD, EPASA
3. «بنای سرخ و میدان تیان آن من» در قلب پایتخت چین، در رادیو بین‌المللی چین.
4. در این بخش، از مطالعات و تحلیل‌های میدانی خانم شقایق نجفی و خانم عارفه کیانی (دانشجویان کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران) استفاده شده است.

فهرست منابع

- شریعتی، علی. (۱۳۵۸). دیالکتیک توحیدی، اومانیزم، فلسفه انسان، دفتر سوم، تهران: ارشاد (بنیاد شریعتی).
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۳). تکامل اجتماعی انسان به ضمیمه زندگی الهامی از شیخ‌الطائفه مزایا و خدمات آیت‌الله بروجردی. تهران: صدرا.

مقیاس	فرا انسانی	رویکرد سرمایه‌داری	رویکرد حکومت‌محور	رویکرد اسلامی
فعالیت	اقتصادی	حکومتی/تشریفاتی	مردمی/اجتماعی	انسانی
زیباشناسی	تکنولوژی یک/اکولوژی یک	فرمال/کلاسیک	اعتقادی/اسطوره‌ای	
مکان‌یابی	نمایشی	شعاری	زندگی‌محور	

مقیاس	فرا انسانی
فعالیت	اقتصادی
زیباشناسی	فرمال / کلاسیک
مکان‌یابی	شعاری

جدول ۱. تحلیل شاخص‌های فضای جمعی در سه رویکرد سرمایه‌داری، حکومت‌محور و اسلامی، مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۲.

Table1. Analysis of Indicators of Social Space in three capitalism, governmentalism and Islamic approaches, Source: author, 2013.

فرمانطقه‌ای در خیابان ۱۷ شهریور، نقشی مرکزی به این محور بخشیده است. البته این مرکزیت تبعاتی مانند انواع آلودگی (هوا، صوتی، بصری، زیست محیطی)، نابسامانی و ناامنی عابرین پیاده به‌خصوص در شب و بی‌نظمی سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی داشته است.

از اواسط قرن بیستم دیدگاه انسان‌گرایی در پروژه‌های شهری شدت گرفت. این دیدگاه، فضای جمعی را به عنوان اوج شکوفایی حضور انسان در شهر شناخت که تنها، حامل بعد اقتصادی یا فرهنگی و یا صرفاً مفهومی نظری یا انتزاعی نیست. بلکه سؤالی است که با مجموعه‌ای از تجربه‌های محسوس و واقعی و آشنا برای فرد پیوند می‌خورد (Paschalis, 2003). در سه دهه اخیر دسترسی عابرین به فضاهای جمعی و حضور در آن، با برقراری تعادل میان استفاده‌کنندگان در حوزه جایابی، فعالیت و نشانه‌های اعتقادی و فرهنگی، تحولات مثبتی داشته است. اما خطری شهر را از سوی جامعه حرفه‌ای (معماران منظر، شهرسازان و معماران) تهدید می‌کند. این گروه روش تحقق هدف خود را طراحی پیاده‌راه در شهر می‌دانند و در این چارچوب، دچار بینش تک‌بعدی شده‌اند که اصالت را به بعد کالبدی مانند از میان برداشتن موانع بصری، ارتقاء خوانایی فضا از طریق تعبیه نشانه‌ها، تسهیل ارتباط میان اشکال گوناگون حمل‌ونقل و تعبیه کاربری‌های زیبا اما عینیت‌گرا (objective) و کلیشه‌ای داده‌اند. اما تنها نمی‌توان به ابعاد فیزیکی اکتفا کرد، چرا که حضور پیاده در شهر با ورود به حوزه تعاملات اجتماعی نوعی «الگوی شهرنشینی» محسوب می‌شود. این الگو هم‌زمان به حقوق شهروندی، کیفیت فیزیکی و حسی فضا، سطح ادراکی عابر پیاده و ویژگی‌های

اغتشاش بصری» ناشی از «ناهمخوانی معماری اطراف با طرح تغییر خیابان» به کار رفته است. در همین راستا واحدهای تجاری لبه محور ۱۷ شهریور که اکثراً بنگاه‌های خرید و فروش اتومبیل هستند برای هماهنگی با پیاده‌راه آیینی که فضایی فرهنگی خواهد بود، تغییر کاربری داده خواهند شد و به فعالیت‌هایی مانند کتاب‌فروشی، سی‌دی‌فروشی، صنایع دستی و واحدهای خدماتی مانند داروخانه اختصاص پیدا خواهند کرد.

چاره‌اندیشیده شده برای رفع آلودگی هوا و آشوب صوتی و بصری، سطحی به نظر می‌رسد. بی‌نظمی بصری اطراف با طراحی فضای تک‌رنگ و یک‌جنس با خطوط مستقیم و قرار دادن دیواره‌های منقوش برای بستن دید برطرف شده است در حالی که این اقدام با الگوی ایرانی فضای تفریحی و وضع روحی محیط سختی ندارد. در نهایت، اولویت‌دهی به عابر پیاده و کاهش آلودگی صوتی محدودی که از طریق حذف صد درصد اتومبیل در محور صورت پذیرفته، مسائل مهم‌تری را به دنبال آورده است. عدم وجود مسیر جایگزین متناسب با خیابان ۱۷ شهریور به عنوان معبر ترافیکی مهمی در محدوده‌های اطراف، گره‌های پیچیده‌تری ایجاد کرده و آلودگی صوتی و آشوب و تراجم مضاعفی را به دنبال داشته است. می‌توان گفت این پروژه نه تنها مشکلات را حل نکرده بلکه آنها را از نقطه جغرافیایی ۱۷ شهریور به بخش‌های دیگری از محدوده انتقال داده است.

نتیجه‌گیری

براساس چارچوب به دست آمده از بخش قبل، تحلیل پروژه فضای جمعی خیابان ۱۷ شهریور در چهار موضوع مقیاس،

# Forgotten Dimension

## Humanitarianism: Missing Feature of today's Communal Spaces in Tehran (Case study: The side-walks of 17th Shahrivar)

Maryam al-sadat mansouri, Ph.D Candidate in Landscape, University of Paris 10, France.  
Maryamansouri@gmail.com

**Abstract:** Humanism is a point of view that gives priority and importance to humans. The emergence of the term in the academic world dates back to the Renaissance, when people became aware of misuses of the church and reclaimed their rights as a result. At that time, humanism became a contentious concept of God and negated whatever hurts (damages) human benefits. In the mid-twentieth century, humanism entered the field of architecture and urbanism by criticizing modern architecture approaches that denied the man-nature dual, as far as in new emerging disciplines such as landscape, human perception of the environment became the main design axis.

Due to excessive human presence in public spaces -as of the principal components of urban landscape; the humanist approach takes precedence over any other issue in its design. This paper seeks to examine the place of humanism theory in various intellectual movements, urban management policies Tehran after the Islamic Revolution compared to assess the collective space.

The public space is one maximum dependent on the presence of humans, like humanist organization, which takes precedence over any other issue. This paper seeks to evaluate Tehran urban management policies after the Islamic Revolution by examining the place of humanism theory in various intellectual movements.

**Keywords:** Public space, humanism, Tehran, capitalism, governmentalism, Islamic theory.

### Reference list

- Besse, J.M. (2006). *L'espace public : espace politique et paysage familier*, in *Rencontres de l'espace public*. Lille : Lille Métropole Communauté Urbaine.
- Kraft, M.A. (2013). *L'humanisme, l'alternative au capitalisme et au socialisme?*. Available from : [www.blogs.mediapart.fr/blog/marie-anne-kraft](http://www.blogs.mediapart.fr/blog/marie-anne-kraft) (20/10/2013).
- Motahari, M. (1984). *Social evolution of human*. Tehran: Sadra.
- Paschalis, N. (2003). *L'espace social comme lieu du lien social*, in *Esprit critique*, Vol.05, No.03. available from : [www.espritcritique.org/0503/esp0503article03.html](http://www.espritcritique.org/0503/esp0503article03.html) (28/08/2013)
- Rey, A. & Rey Debove, J. (2007). *Le nouveau petit Robert : dictionnaire alphabétique et analogique de la langue française*. Paris : Le Robert.
- Rue de l'avenir. (2012). *Piétons «ça marche!»*. Available from : [www.ruedelavenir.com/themes/pietons-camarche/](http://www.ruedelavenir.com/themes/pietons-camarche/) (Accessed 11/5/2013).
- Shariati, A. (1979). *Monotheistic dialectic, Humanism, The human philosophy*. Third vol. Tehran: Ershad.
- Thomas, R. (2004). *L'accessibilité des piétons à l'espace public urbain : un accomplissement perceptif situé*. *Espaces et sociétés*, 113-114: 233-249.

تصویر ۲: تصویر هوایی از میدان تیان آن من، ابعاد بسیار گسترده فضا به خوبی حس می شود. مأخذ: [www.swiretravel.com](http://www.swiretravel.com)

Pic2: An aerial photograph of Tiananmen Square, the broad dimension of space is thoroughly felt. Source: [www.swiretravel.com](http://www.swiretravel.com)

تصویر ۳: مکان یابی مرکز محله لب حوض نسبت به عناصر مهم اطراف و در بطن محله مسکونی. کاملاً مشخص است کوچه ها و مسیرهای اصلی به گشایش محله می رسند. فضای جمعی محلی کاملاً بر سر راه مردم برای جایابی های محلی قرار دارد. مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۲.

Pic3: Location of Lab-e-Hoz neighborhood center in relation to important elements of the surrounding residential neighborhood; obviously, the main routes end to the opening of streets and neighborhoods. The local community is well placed on the way from which local people pass. Source: author, 2013.

تصویر ۴: تیمچه عبدالله خان، بخارا. عکس: محمد منصوری، ۱۳۸۸.

Pic5: Abdullah Khan Timcheh, Bokhara. Photo: Mohammad Mansouri, 2009.

تصویر ۵: یکی از خواسته های مسئولین پروژه ایجاد امکان «عبور با مکت» در این محدوده بوده است که ظاهراً نتوانسته با ابعاد فضای جدید اجرا شود؛ اهالی به طولانی بودن مسیر پیاده میان دو میدان اعتراض کرده و آن را ناکارآمد دانسته اند. مأخذ: آرشيو کلاس طرح ۳ معماری منظر دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.

Pic5: One of the demands of the project authorities was to allow "pausing transit" in this area which was apparently unable to run on the new space dimension; Residents objected to the long walking path and considered it inefficient. Source: Archive of Landscape design 3 class, University of Tehran, 2013.



تصویر ۲

Pic 2

تصویر ۳

Pic 3

تصویر ۴

Pic 4

تصویر ۵

Pic 5